

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

تحلیلی بر عوامل ناهمگونی سازمان فضایی منطقه یک کلانشهر تهران

احمد زنگانه^۱، حسین عزیزی^۲، علی محمد منصورزاده^{۳*}

چکیده

شهر و شهرنشینی طی دهه‌های اخیر با تحولات کمی و کیفی بسیاری همراه بوده است. این تحولات در مکان‌های مختلف جغرافیایی و متناسب با شرایط زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر منطقه متفاوت است. تغییر و تحولات در شهرها، تغییر در سازمان فضایی شهرها را در پی دارد و تحولات سازمان فضایی در اکثر شهرهای در حال توسعه بیشتر در جهت ناهمگونی سازمان فضایی بوده است با این رویکرد پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از نرم‌افزارهای GIS و Google Earth و با هدف تحلیل عوامل مؤثر بر ناهمگونی سازمان فضایی منطقه یک کلانشهر تهران تدوین شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که سازمان فضایی منطقه یک کلانشهر تهران دچار ناهمگونی در سازمان فضایی است و عواملی از جمله؛ مهاجرپذیری، وجود بافت روستایی، بافت حاشیه‌ای، ساخت و سازهای لجام گسیخته، سوداگری در خرید و فروش زمین و مسکن، وجود کاربری‌های غیر شهری، وجود مجتمع‌های تعاونی انبوه‌ساز، کاربری‌های فرامنطقه‌ای و فراشهری و ... از جمله عوامل ناهمگونی در سازمان فضایی منطقه هستند.

واژگان کلیدی: سازمان فضایی، ناهمگونی، GIS، منطقه یک شهر تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی تهران

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد آمایش شهری دانشگاه خوارزمی تهران

^۳. دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه خوارزمی تهران Email: mansourzadeh68@gmail.com

مقدمه

تاریخچه توسعه شهرها تاریخ بشر است. و هر بار در تغییر دوباره و نوین توسعه تمدن، خواسته‌های جدید ساکنان شهر ظاهر می‌شود که رضایت آنها سبب تغییر در فضای شهری می‌شود (Hoblyk, 2013: 274). ساختار فضایی توزیع جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین سبب می‌شود شبکه‌ها، زمینه ارتباطی این هسته‌ها را فراهم کند (Garcia and Miquel, 1977: 2012). این ساختار در دوره‌های مختلف نمایانگر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است؛ به نحوی که در نیمه اول قرن بیستم تمرکزگرایی و جریان جمعیت و فعالیت به شهر مرکزی سبب ایجاد ساختاری تک مرکزی می‌شد، اما امروزه مناطق کلانشهری ساختاری کاملاً متفاوت با مدل‌های سنتی دارند. این مناطق عموماً چندین جریان کلی تمرکززدایی را تجربه کرده‌اند؛ اولین موج، جریان تمرکززدایی جمعیت در دوره بلا فصل پس از جنگ جهانی به دنبال محیط‌های سالم و کیفیت زندگی بالاتر بود، دوم اینکه اوایل دهه ۶۰ میلادی بسیاری از بخش‌های اقتصادی سعی داشتند مراکز تفریحی و تجاری را در حومه‌ها ایجاد کنند و در نهایت، انگیزه‌هایی مانند زمین ارزان قیمت، دسترسی به شبکه‌های ارتباطی و سبک‌تر بودن ترافیک در این نواحی مزید بر علت شد (داداش‌پور و علی‌دادی، ۱۳۹۵: ۱۱۱). از دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، جدایی مراکز فروش و بخش تولید، تحولی جدید در ساختار فضایی مناطق کلانشهری به وجود آورد که اولی در CBD استقرار می‌یافت و دومی در پیرامون به صورت متمرکز. زیرا مراکز فعالیتی پراکنده مستقر می‌شد در هزاره جدید نیز سیاست‌های توسعه فضایی بر تمرکززدایی مناطق کلان شهری مهر تأیید زد و الگوهای فضایی چندمرکزی در این مناطق به کار گرفته شد (Davoudi and Strange, 2008: 58)؛ که در دهه اخیر موجب دگرگونی شکلی و عملکردی در بسیاری مناطق کلان شهری شده است. سازمان فضایی بیانگر نظم سلسله مراتبی اجزای نظام فضایی و نحوه استقرار آنها نسبت به هم بوده، به نحوی که تعامل و رابطه مکمل آنها امکان‌پذیر گردد (کلانتری، ۱۳۹۴: ۲۳) به صورتی که ترتیب و توزیع نظام‌یافته واحدهای یک مجموعه در فضا، در راستای عملکردهای عمومی مجموعه باشد (آسایش، ۱۳۸۵: ۱۴۵). رشد سریع جمعیت، مقدمه رشد و توسعه گسترده شهری را فراهم آورده و تغییرات وسیعی نیز از مقیاس محلی تا جهانی در کاربری زمین ایجاد نموده است (Xi & Cho, 2007: 96)؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت، جمعیت شهرها افزایش یافته ولی خدماتی که پاسخگوی نیازهای مختلف آنها باشد، به گونه‌ای مناسب، فراهم نشده است (Sohel Rana, 2009: 321). نابسامانی سازمان فضایی در کشورهای جهان سوم در اثر عوامل گوناگون و تحت تأثیر مکانیسم‌های حاکم بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوجود آمده (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱)؛ و بر اساس معیاری خاص سنجیده می‌شود و ممکن است وضعیت نابرابری‌های فضایی بر اساس هر شاخص متفاوت باشد (Stillwell et al, 2010: 1).

امروزه زندگی اجتماعی در کلانشهرهای همه مرزهای جغرافیایی، نژادی و قومی را درنوردیده و نوگرایی را برای شهروندان به ارمغان آورده است که این پیامد توأم با مسائل اجتماعی فراوان همچون وجود فواصل اجتماعی فزاینده در شهرها، ساختار ناهمگن جمعیتی، جدایی‌گزینی‌های فضایی و ... بوده است. از این منظر دوگانگی و بی‌قرینگی خاصی در نظام شهری کشور دیده می‌شود؛ به نحوی که در نگاه کلی نظام ناموزون شبکه شهری کشور و از دیدگاه خاص، شهرهای کشور خود به نوعی گرفتار دوگانگی‌های اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و کالبدی می‌باشند. وجود لایه‌بندی‌ها و مرزبندی‌های اجتماعی در شهرهای بزرگ کشور و پیدایش واژگانی چون «شمال شهر» و «جنوب شهر» گواهی بر این مدعاست (محمدی ده‌چشمه، ۱۳۹۱: ۱۳). لذا وقوع تحولات در ساختار اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی به همراه تنوع و گوناگونی در نظام اکولوژیک باعث ایجاد ساختار فضایی ناهمگون، قطبی شدن و تمرکز شدید گردیده

است. این تحولات در ساختار شهرهای کشور به همراه تنوع و گوناگونی در نظام اکولوژیک باعث ایجاد ساختار فضایی ناهمگون، قطبی شدن و تمرکز شدید گردیده است (نظریان و کنارودی، ۱۳۸۸: ۴۹).

شهر تهران به عنوان یکی از کلان‌شهرهای جوامع در حال توسعه در دهه‌های اخیر شاهد تحولات سریع و چشمگیری در همه ابعاد خود بویژه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بوده است. رشد انبوه اقتصاد، صنعت و بویژه تجارت و بازرگانی، گسترش خودجوش زندگی شهری و شهرنشینی، مهاجرت‌های بزرگ و کوچک درون مرزی یا فرامرزی به شهر تهران در اثر متمرکز شدن بخش اعظم امکانات کشور در آن، آمیختگی اقوام متفاوت، چندگرایی، تکثر شدید فرهنگی و اجتماعی، تراکم شدید مجموعه‌های مسکونی، برج‌نشینی‌های بدون قاعده در کنار زاغه‌نشینی، گودنشینی و آلونک‌نشینی، تمرکز بخش اصلی جمعیت کشور در تهران، ازدحام و جابجایی روزانه حجم قابل‌ملاحظه‌ای از مردم به گونه درون شهری و بین شهری، توسعه وسایل ارتباط جمعی، انتشار مجلات و روزنامه‌های متنوع کثیرالانتشار، ساخت و سازهای انبوه، گسترده و به وجود آمدن بسیاری از دانشگاه‌ها، پارک‌ها، بیمارستان‌ها و اتوبان‌ها متعدد و افتتاح کارخانجات و مراکز صنعتی و تولیدی بزرگ و کوچک در شهر تهران و بسیاری از تحولات دیگر نظیر آنها موجب گردیده تا شهر تهران به صورت یک مجتمع عظیم جمعیتی و اقتصادی، تجاری و صنعتی، آموزشی، تفریحی و مسکونی با دگرگونی‌های سریع و شتاب بیش از اندازه در مسیر توسعه در آید. مجموعه این تغییرات خود مستلزم مطالعات عمیق و گسترده علمی در زمینه‌های متنوع و مختلف می‌باشد تا بدینوسیله نابسامانی‌ها و آسیب‌های شهری آن به روشنی شناخته شده تا راهبردها، راهکارهای اصولی و قابل عمل برای اداره صحیح آن تدوین و اجرا گردد (خزایی، ۱۳۹۳: ۹۲-۹۱). در این میان منطقه یک این شهر، یکی از مناطق منحصر به فرد است که دارای ویژگی‌های خاص و متمایزکننده از سایر مناطق است. این منطقه جمعیتی بسیار ناهمگن و نامتجانس دارد و همچنین دارای تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فراوان است. از این رو در این پژوهش سعی بر آن است که با استفاده از روش‌های علمی عوامل مؤثر بر ناهمگونی فضایی منطقه مورد تحلیل قرار گیرد. رویکرد حاکم بر این پژوهش، برنامه‌ریزی فضایی است که ناظر بر توزیع فضایی پدیده‌ها (نظیر انسان یا فعالیت‌ها) در یک قلمرو مشخص جغرافیایی که در هر زیر قلمرو، موضوع برنامه‌ریزی را تعیین و سازماندهی فضایی پدیده‌ها را مشخص می‌سازد (کلانتری، ۱۳۹۴: ۲۳). این رویکرد عمدتاً ناظر بر تخصیص پدیده مورد برنامه‌ریزی (جمعیت یا فعالیت) به هر یک از تقسیمات قلمرو است. با توجه به اینکه این منطقه دارای ویژگی‌های ساختاری متفاوت و متنوع است و همچنین بواسطه موقعیت خاص جغرافیایی و طبیعی و ارزش بالای زمین از نظر اقتصادی نیروهای زیادی چه از درون منطقه و چه خارج از آن در ابعاد و متفاوت و به شیوه‌های مختلف بر آن تأثیر می‌گذارند که پاره‌ای از این تأثیرات سازمان فضایی آن را دچار ناهمگونی کرده است. از این رو ضرورت و اهمیت شناسایی عوامل و نیروهای ناهمگون‌کننده سازمان فضایی آن بر کسی پوشیده نیست. با توجه به موضوع پژوهش که تحلیل عوامل ناهمگونی سازمان فضایی در منطقه یک کلانشهر تهران است با عنایت بر مسئله پژوهش در این تحقیق به دنبال این هستیم، چه عواملی باعث ناهمگونی سازمان فضایی منطقه یک کلانشهر تهران شده‌اند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

عوامل اجتماعی و فرهنگی مهم‌ترین عوامل به وجود آورنده توسعه سریع شهرها هستند. به طوری که توسعه شهر در ارتباط تنگاتنگ با میزان رشد جمعیت شهری می‌باشد و در این رابطه افزایش طبیعی جمعیت شهری، میزان مهاجرت خالص به شهر، انتقال ساخت جمعیتی جوامع غیر شهری به شهر و ساخت جمعیت شهر از عوامل اساسی به شمار می‌روند

(پریزادی و صالحی، ۱۳۹۶: ۱۰۵). بنابراین معرفی شهر از دیدگاه جمعیت، تراکم یا مشخصات کالبدی به تنهایی کافی نیست. بلکه جنبه‌های انسانی شهر، ماهیت اصلی آن را شکل می‌دهند (حکمتی و کبیر، ۱۳۷۵: ۸۴). بنابراین در مجموع، جاذبه‌های شهری و دافعه‌های روستایی سبب افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن رشد فیزیکی و توسعه کالبدی آنها می‌گردد. با توجه به این افزایش جمعیت و تغییر در ساختار شهرها تا پیش از دهه ۶۰ میلادی اغلب تفکرات در مورد شهر در مکتب جغرافیای سنتی در قلمروی نگرش اتمیسم صورت می‌گرفت که در آن، عنصر رابطه شامل پیوندهای اجزا با یکدیگر در تعریف نظام شهری نادیده انگاشته می‌شد. آن چیزی که کستلز از آن به عنوان فضای مکان‌ها یاد می‌کند، در آن کارکردهای یک محل، از ویژگی‌های محتویات درون مرزهای آن مشتق شده است (Castells, 1996: 455). از اواخر دهه ۶۰ میلادی و شکل‌گیری رویکرد سیستمی، شهر به منزله یک سیستم، کلیت، عنصر و ارتباط سه خصیصه عمده سیستم را شکل داد (Reif, 1973: 5) و توجه زیادی به روابط متقابل بین شهرها و توسعه آنها در سطح یک منطقه شد (Taylor et al, 2010: 308). سازمان فضایی^۱ منطقه معینی را می‌پوشاند که از لحاظ طبیعت، نوع، سطوح، تکامل و کارکرد عناصر و عوامل با هم ارتباط دارند. از این رو سازمان فضایی تا آنجایی که کنش‌های متقابل بر هم تأثیر می‌گذارند توسعه می‌یابد و از این لحاظ که عوامل در طول زمان متغیر هستند میدان نمود سازمان فضایی تغییر می‌یابد و از زمانی به زمان دیگر ممکن است دگرگون شود. سازمان فضایی هر منطقه‌ای، تبلور جریان و الگوی ارتباطات فضایی آن منطقه است (رضوانی، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۶) که خود شکل‌دهنده الگوی فضایی خاصی می‌باشد. پراکندگی پدیده‌های جغرافیایی با فعالیت اقتصادی، در سرتاسر سطح زمین یا در داخل یک ناحیه، تحت شرایطی، شکل‌گیری الگوها را امکانپذیر می‌سازد. هر الگوی فضایی، حاصل تصمیم‌گیری‌های انسانی است (جباری، ۱۳۹۲: ۲۴).

سازمان فضایی نه به عنوان یک «نظم» ثابت بلکه به عنوان یک فرآیند دائمی «نظم‌یابی» در درون فرآیندهای زمانی و مکانی تعریف می‌شود. بنابراین در سازمان‌یابی فضا، هیچ‌چیز برای همیشه ثابت نیست. براساس طرز این تلقی، ارائه تصویری از سازمان فضایی را می‌توان تلاشی برای معرفی عناصر ساختاری سازمان در یک برش زمانی مشخص دانست. عناصر ساختاری از سرعت و عمق تغییر و تحول کمتری برخوردار بوده و برای تعیین سازمان فضایی، ثبات و قدرت بیشتری دارند. این عناصر در قالب چهار ساختار طبیعی، تاریخی، عملکردی و منطقه‌ای بازشناسی می‌شوند که بازتاب کالبدی این عناصر به یکی از اشکال سه‌گانه (نقطه، محور و پهنه) قابل مشاهده است (مهندسین مشاور بوم سازگان، ۱۳۸۷: ۴). سازمان فضایی ترتیبی که بنا بر آن، یک سری فعالیت‌های مشخص در یک محدوده فضایی سازمان می‌یابند، می‌داند. همچنین به عقیده میسرا، مراکز تجمع و فعالیت‌های وابسته به آنها به همراه روابط متقابلی که از طریق شبکه‌های ارتباطی بین آنها برقرار می‌شوند به وجود آورنده سازمان فضایی است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲). برای سازمان‌دهی فضایی در کشورهای در حال توسعه، الگویی از توسعه فضایی مورد نیاز است که منجر به عدم مرکز شهرنشینی شود و با به وجود آوردن نظامی از شهرها و شهرک‌ها و یکپارچه کردن نواحی روستایی با نواحی شهری، موجبات گسترش شبکه‌ای از مراکز توسعه متعادل در پیوند با یکدیگر را فراهم می‌آورد با توجه به مفاهیم رایج، در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان دو نوع نگرش را در سازمان‌دهی فضایی از یکدیگر بازشناخت. نگرش اول توزیع جغرافیایی و سازمان‌دهی فضایی است که در آن توزیع جمعیت و توزیع متناسب فعالیت‌ها با هزینه و فایده اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرد. در این صورت منظور از آمایش رسیدن به بهترین شکل توزیع فعالیت‌ها خواهد بود. نگرش دوم که بر اساس مفاهیم جدید ارائه شده است، آمایش سرزمین را از یک سازمان‌دهی فضایی ساده فعالیت‌ها فراتر برده و آن را شامل سازمان‌دهی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

^۱-Spatial Organization

و زیست‌محیطی به منظور تحقق آینده‌ای مطلوب و مبتنی بر توسعه پایدار می‌داند. به همین دلیل در ادبیات برنامه‌ریزی از برنامه‌ریزی فضایی به عنوان مکمل برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای یاد می‌شود، با این تفاوت که از دیدگاه نظری، فضا یک نظام (سیستم) باز و پویا است و برخلاف منطقه دارای حد و مرزی نیست (همان).

مهم‌ترین علت گوناگونی شهرها سازمان فضایی متفاوت آنهاست که در اثر اختلاف در نظم هر یک از شهرها به مثابه سیستم پدید آمده است. واحدهای اصلی در هر نظام و روابط اساسی میان آنها، بیانگر ساختار آن نظام می‌باشند. ساختارها به مثابه استخوان‌بندی و زیرساخت، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری اجزاء، رفتار و عملکرد نظام ایفا می‌کنند. ساختار از به هم پیوستگی میان پدیده‌ها، سازمان‌بندی و مجموعه مشخصی میان عناصر پدید می‌آید. این پیوند و همبستگی متقابل میان عناصر بعضاً متفاوت، موجبات ماهیت و کنش دیالکتیکی را در نظام‌ها فراهم می‌آورد. ساختار فضایی - کالبدی هر شهر به گذشته آن و عوامل و حوادثی مربوط می‌شود که شرایط محیط را در طول زمان برای ایجاد و برقراری آن به وجود آورده است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۰). هر ساختاری از فرآیندهای خاص خود برخوردار است. فرآیند فضایی، سازوکاری است که موجب ساخت و توزیع فضایی یک یا چند پدیده جغرافیایی می‌گردد و عمدتاً حاصل تصمیمات فضایی است. فرآیندها در واقع، جریان‌ات و نیروهایی هستند که به صورت متوالی و تدریجی، موجبات سازمان‌یابی عناصر و کنش‌های بین اجزاء و تغییر و تحولات آنها را فراهم می‌آورند. مداومت، توالی مشخص و معین در بستر زمان از دیگر ویژگی‌های یک فرآیند است. کانون توجه جغرافیا، فرآیندهای مکانی-فضایی است که شامل فرآیندهایی هستند که در بستر زمان موجب تغییر در پدیده‌ها و الگوهای فضایی می‌شوند. از نظر جغرافیایی و به دلیل اثرات یکپارچه‌ساز جهانی شدن، مکان نه تنها جایگاه هستی‌شناسانه خود را از دست داده، بلکه منطق و معنای آن در متنی جدید، یعنی در فضای جریان‌ها جذب می‌شود (Dieleman and Faludi, 1998: 368). و از سوی دیگر سبب شده تا جایگاه و نقش نقاط در نظام شهری، هرچه بیشتر به دلیل روابط و جریان‌های درون شبکه‌ها مشخص و توصیف شود: به طوری که این ویژگی‌ها بیش از آنکه تابعی از آن چیزی باشند که در درون نقاط ثابت شده، تابع جریان‌های در حال گردش میان شهرها هستند (Limtanakool et all, 2007: 2123-2130). از آنجایی که ساختارها، فرآیندها، فرم‌ها و الگوی فضایی در طی زمان تغییر و تحول می‌یابند، مطالعه تغییر و تحولات آنها در بستر زمان حائز اهمیت است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۴). در سال‌های اخیر مطالعاتی در خارج از کشور و همچنین داخل کشور صورت گرفته است. که در ادامه به معرفی مرتبط‌ترین آنها خواهیم پرداخت. به جرات می‌توان گفت که عوامل اجتماعی و فرهنگی مهم‌ترین عوامل به وجود آورنده توسعه سریع شهرها هستند. به طوری که توسعه شهر در ارتباط تنگاتنگ با میزان رشد جمعیت شهری می‌باشد و در این رابطه افزایش طبیعی جمعیت شهری، میزان مهاجرت خالص به شهر، انتقال ساخت جمعیتی جوامع غیر شهری به شهر و ساخت جمعیت شهر از عوامل اساسی به شمار می‌روند (پریزادی و صالحی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). بنابراین معرفی شهر از دیدگاه جمعیت، تراکم یا مشخصات کالبدی به تنهایی کافی نیست. بلکه جنبه‌های انسانی شهر، ماهیت اصلی آن را شکل می‌دهند (حکمتی و کبیر، ۱۳۷۵: ۸۴). بنابراین در مجموع، جاذبه‌های شهری و دافعه‌های روستایی سبب افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن رشد فیزیکی و توسعه کالبدی آنها می‌گردد.

مارتینز^۱ (۲۰۰۹) در مقاله خود به سنجش نابرابری‌های فضایی شهری در ابعاد مختلفی مانند محرومیت‌های اجتماعی، طبقات اجتماعی، نابرابری‌های جنسیتی و همچنین کیفیت محیط زندگی پرداخته است. در نهایت، پژوهش مذکور برای کم کردن اختلاف و شکاف بین مناطق، بحث تأمین منابع و نحوه بودجه‌ریزی را مطرح کرده است.

^۱ . Martinez

ملکی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی نشان می‌دهند که سازمان‌یابی سکونتگاه‌های غیررسمی کلان شهر تبریز در قبل از دهه ۱۳۴۰، بیشتر بر اثر نیروهای سیاسی طبیعی، بعد از دهه ۱۳۴۰، بر اثر عوامل کلان (ساختاری) و نیروهای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی و بعد از سال ۱۳۶۲، ناشی از عوامل ساختاری و غیرساختاری و نیروهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بوده است.

بر این اساس پژوهش میرآبادی و همکاران (۱۳۹۳)، در مورد سنجش و تحلیل نابرابری فضایی بین نواحی شهری مهاباد در ایجاد ساختار ناهمگون فضایی شهری مشخص شد که با به کارگیری شاخص‌های جمعیتی - اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و همچنین مدل تاپسیس و مدل تحلیل خوشه‌ای به رتبه‌بندی و سطح‌بندی نواحی شهری مهاباد در سال ۱۳۹۳ پرداخته شده است. یافته‌ها و نتایج نشان از عدم توسعه‌یافتگی مطلوب شهر مهاباد دارد. البته این توسعه نیافتگی، تنها مختص بافت‌ها و سکونتگاه‌های نابسامان موجود شهر نیست. همچنین مشخص شد، نه تنها منابع و خدمات بر اساس میزان جمعیت توزیع نشده‌اند بلکه عکس این حالت نیز صادق است. با توجه به شکاف عمیق موجود بین نواحی شهری در شاخص کالبدی می‌توان گفت عامل مسأله‌ساز و دارای اولویت در ناهمگونی ساختار فضایی شهر مهاباد، عامل کالبدی و در راس آنها تأسیسات و خدمات شهری است که ریشه این ضعف در نحوه تدوین و تحقق طرح‌های توسعه شهری می‌باشد.

نتیجه پژوهش داداش‌پور و علی‌دادی (۱۳۹۵)، نشان می‌دهد از بین عوامل سنجش شده، شبکه‌های ارتباطی یکی از اصلی‌ترین عوامل شکل‌دهنده ساختار فضایی در منطقه بوده است و ظهور و اثرگذاری زیر مراکز فعالیتی، شکل‌گیری الگوی فضایی چندمرکزی را در منطقه کلان شهری تهران نوید می‌دهد.

علیزاده (۱۳۹۲) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود نشان می‌دهد که سازمان فضایی شهر یزد به جز در بافت مرکزی و تاریخی شهر، با الگوی توزیع عدالت فضایی در شهر رابطه سازگاری را نشان می‌دهد.

همچنین نتایج پژوهش سلیمانی و همکاران (۱۳۹۲) در منطقه یک شهر تهران، نشان می‌دهد که هسته‌های روستایی علاوه بر اثرگذاری بر هویت‌یابی بافت مهاجم شهری، به دلیل گسترش بی‌برنامه شهر و شکل‌گیری ارگانیک بافت شهری با اثرپذیری از تقسیمات و ساختار فضایی مورفولوژی‌های باغی و زراعی منطقه، نامنظم و گاه نفوذناپذیر شده است. همچنین رویارویی بافت‌های شهری و هسته‌های روستایی نیز موجب شکل‌گیری کانون‌های ناهمگون و عدم تعادل کالبدی - فضایی در منطقه شده است.

تقی‌لو و نباتی (۱۳۹۴) در مقاله خود در شهرستان قروه، به تحلیل و تبیین عدم تعادل‌های سازمان فضایی در شهرستان قروه از لحاظ برخورداری از شاخص‌های زیر بنایی، بهداشتی - درمانی، آموزشی - فرهنگی، اقتصادی و شاخص‌های جمعیتی برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی و سطوح توسعه‌یافتگی آنها پرداخته است. سازماندهی سکونتگاه‌های شهرستان قروه از عوامل طبیعی و امکانات و خدمات موجود در آنها تبعیت می‌کند و باعث ایجاد یک سازمان فضایی در بستر شهرستان با توجه به میزان امکانات و خدمات و شرایط طبیعی می‌گردد.

مواد و روش پژوهش

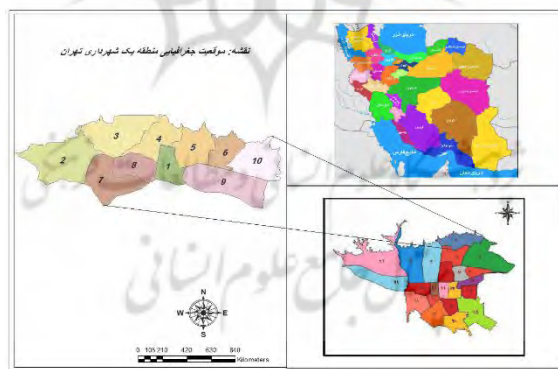
باتوجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های مورد پژوهش، این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. جهت تدوین چارچوب نظری تحقیق و بازدیدهای میدانی از روش کتابخانه‌ای نیز بهره گرفته شده است. از آنجایی که هدف پژوهش تحلیل عوامل ناهمگونی سازمان فضایی است. به‌منظور شناسایی و طبقه‌بندی عوامل ناهمگون منطقه یک تهران، از نرم‌افزارهای GIS

و Google Earth بهره گرفته شده است. نخست با توجه به بررسی‌های صورت گرفته بر روی محیط داخلی و خارجی محدوده مورد مطالعه، اطلاعاتی از عوامل ناهمگونی سازمان فضایی به صورت مطالعات میدانی یعنی روش مصاحبه و عکس‌برداری گردآوری شد.

این عوامل شامل فاکتورهای زیادی می‌شد که در این پژوهش به تعدادی از آنها از جمله وجود بافت روستایی، وجود بافت حاشیه‌ای، وجود مجتمع‌های انبوه تعاونی‌ساز، مهاجرپذیری، سوداگری در خرید و فروش زمین، تراکم و مسکن، وجود کاربری وسیع نظامی، ساخت و سازهای لجام گسیخته (بلند مرتبه‌سازی)، کاربری‌های فرامنطقه‌ای - شامل کاربری آموزش عالی، کاربری مذهبی، کاربری فرهنگی، کاربری جهانگردی و پذیرایی، کاربری درمانی، کاربری اداری، کاربری فضای سبز و پارک-، کاربری‌های فراشهری - کاربری دیپلماتیک و امور بین‌الملل-، توزیع نامتوازن جمعیت در سطح منطقه پرداخته شد و سپس داده‌های بدست آمده در محیط GIS فراخوانی شده و به لایه‌های GIS تبدیل گردید و بعد از آن این لایه‌ها تبدیل به نقشه کاربری اراضی گشته و با هم مقایسه شدند.

محدوده مورد مطالعه

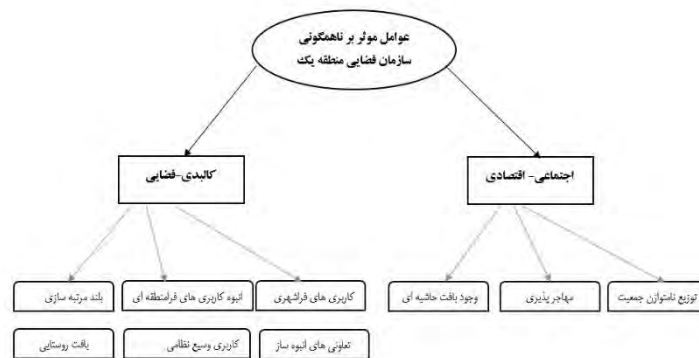
منطقه یک شهرداری تهران با مساحت ۴۵/۷ کیلومتر مربع^۱ و ۴۳۹۴۶۷ نفر جمعیت، شمالی‌ترین منطقه تهران به شمار می‌رود به طوری که مرز شمالی آن بر مرز شمال تهران (خطوط ارتفاعی ۱۸۰۰ متر) منطبق است. این منطقه از غرب توسط رود دره که با منطقه ۲، از جنوب توسط بزرگراه چمران، مدرس، صدر با منطقه ۳ و از جنوب شرقی توسط بزرگراه ازگل با منطقه ۴ شهرداری تهران هم‌مرز است. منطقه یک شهر تهران متشکل از ۱۰ ناحیه و ۲۶ محله است (شهرداری منطقه یک شهر تهران، ۱۳۹۵).



شکل (۱): نقشه موقعیت محدوده مورد مطالعه

مأخذ: ترسیم نویسندگان برگرفته از نقشه شهرداری تهران در سال ۱۳۹۵.

^۱. مساحت منطقه با احتساب حریم ۱۰۱,۴ کیلومتر مربع است



شکل (۲): مدل مفهومی پژوهش

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

علل ناهمگونی سازمان فضایی منطقه یک شهر تهران

منطقه یک کلانشهر تهران با توجه به ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که بر آن حاکم است، با یک ناهمگونی در سازمان فضایی مواجه است. در واقع تفاوت در ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که در منطقه یک بیش از هر کدام از مناطق تهران است، بازخوردهای متفاوتی دارد که از مهم‌ترین بازخوردهای آن ناهمگونی در سازمان فضایی منطقه است. ناهمگونی سازمان فضایی منطقه یک شهر تهران ناشی از عوامل مختلفی است که در زیر به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱- وجود بافت روستایی: وجود بافت روستایی در شهر، به دلیل افزایش سریع شهرنشینی و افزایش جمعیت و گسترش شهر می‌باشد و باعث دوگانگی در منظر شهری، عدم استحکام لازم در بناها، نارسایی در شبکه معابر و دسترسی‌ها، مشکل بودن تأمین خدمات شهری، رشد بالای جمعیت و شکل‌گیری اسکان غیررسمی می‌شود. این بافت در منطقه یک شهر تهران به وضوح آشکار است از نمونه‌های آن می‌توان به اوین و درکه اشاره کرد که بافت روستایی کماکان بافت غالب است. این بافت هم اکنون در کنار برج‌سازی گسترده‌ای که در منطقه غالب است محیطی ناهمگن را به وجود آورده است. بافت مسکونی ارگانیک روستاهایی که با گسترش کالبدی شهر، درون محدوده شهر قرار گرفته‌اند. بافت‌های روستایی کن و حصارک، درکه و فرحزاد، اوین، دربند، امامزاده قاسم، دزاشیب، جماران، کاشانک و دارآباد از این نوع مناطق با بافت روستایی می‌باشند (اطلس شهر تهران، ۱۳۸۹: ۵۴). به طور کلی ۴۴ روستا و آبادی در منطقه یک شهر تهران ادغام شده‌اند که ۱۷ مورد آنها بافت کالبدی خود را به طور نسبی حفظ کرده‌اند، ۵ مورد تنها ساختار شبکه معابر آنها حفظ شده و ۲۲ مورد نیز کاملاً در بافت شهری مهاجم مستحیل شده‌اند. وسعت محدوده‌های روستایی ادغام شده در بافت کالبدی منطقه که بافت خود را به طور نسبی حفظ کرده‌اند، معادل ۱۳۹/۵۹ هکتار است که ۳/۰۵ درصد از مساحت کل منطقه را تشکیل می‌دهد که کانون فرسودگی بافت منطقه بشمار می‌روند.



شکل (۳): نمونه‌ای از بافت‌های روستایی (محدوده امامزاده قاسم) در منطقه یک شهر تهران
منبع: برداشت‌های میدانی نگارندگان، ۱۳۹۷.

۲- وجود بافت حاشیه‌ای: با توجه به موقعیت قرارگیری منطقه یک کلانشهر تهران که از شمال به ناهمواری‌های شمالی تهران محدود شده است و در سرتا سر مرزهای آن با محدوده خارج از شهر، حاشیه نشینی شکل گرفته است.

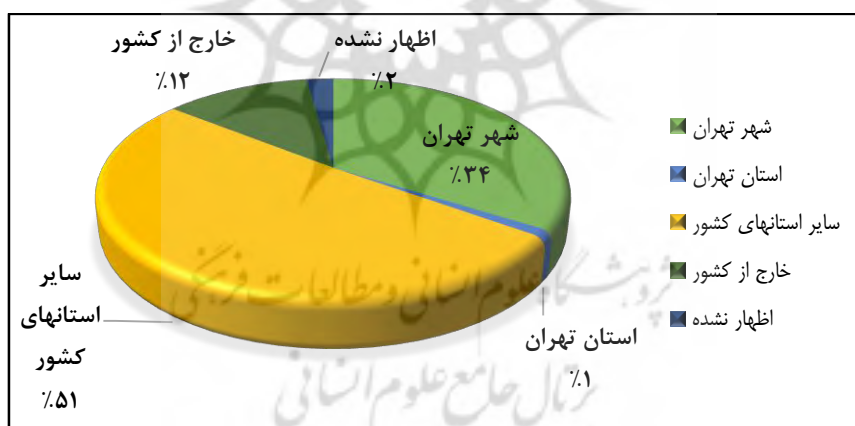
۳- وجود مجتمع‌های انبوه تعاونی ساز: مجتمع‌های انبوه تعاونی ساز به دلیل عدم پرداخت به هنگام آورده‌های مالی تعاونی‌ها به سازندگان و رکود عملیات ساخت پروژه‌ها مشکل ساز می‌شوند و وجود آنها دارای پیامدهای افزایش ناهمگونی اجتماعی در منطقه، اعمال سلیقه‌های متفاوت، طولانی شدن روند اجرا و ساخت پروژه‌ها، گسترش سکونت گاه‌های غیررسمی ناشی از افزایش ساخت و سازهای بی‌رویه است. نمونه بارز این ساخت و سازها در امتداد ضلع شمالی بزرگراه شهید بابایی به چشم می‌خورد. این مجتمع‌ها که عمدتاً متعلق به نیروهای مسلح است با بافت اجتماعی سنتی منطقه یک، بسیار ناهمگون است. در واقع مجتمع‌های تعاونی انبوه‌ساز که غالباً توسط ارگان‌های دولتی احداث می‌شوند، جمعیت‌هایی از فرهنگ‌های مختلف که دارای تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی چشم‌گیری با ساکنین سنتی منطقه هستند، وارد می‌کنند و ناهمگونی ساختاری را در سازمان فضایی منطقه قوت می‌بخشند.

این گروه شامل توسعه‌های جدید (شهرک‌ها) در شرق منطقه، مجموعه تعاونی مربوط به ارتش در محدوده شمالی میدان نوبنیاد، مجموعه‌سازی واقع در شمال ولنجک و خارج از محدوده ۱۸۰۰ متر شمالی منطقه و ... است.



شکل (۴): مجتمع‌های تعاونی انبوه‌ساز منطقه یک شهر تهران
منبع: گوگل ارث، ۲۰۱۷.

۴- مهاجرپذیری: منطقه یک تهران یکی از مهاجرپذیرترین مناطق شهر است. با توجه به اینکه مهاجرت تبعات منفی برای مقصد مهاجرت دارد، محتمل است که منطقه یک نیز گرفتار عواقب ناشی از آن نیز باشد. نمودار شماره یک نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد که مهاجران وارد شده طی ۵ سال گذشته برحسب منشأ آنها در منطقه یک شهر تهران را به تصویر کشیده است. به طور کلی در فاصله بین سال‌های ۸۵ تا ۹۰، جمعاً ۲۸۵۱۳ نفر مهاجر وارد منطقه یک شهر تهران شده‌اند که از این تعداد ۳۴۹۳ نفر مهاجر از خارج از کشور بوده‌اند. تعداد قابل توجه مهاجران خارجی به این منطقه بیانگر اهمیت فرامنطقه‌ای و خاص بودن از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که منطقه یک را از سایر مناطق تهران جدا می‌کند و به آن اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد. بیشترین مهاجران وارد شده به منطقه یک تهران منشا شهری دارند که بیانگر هزینه بالای زندگی در این منطقه و ناتوانی روستاییان در مهاجرت به آن است. نکته‌ای که در باب مهاجرت در منطقه قابل ذکر است، تعداد بالای مهاجرانی (تقریباً نیمی از مهاجران - ۱۳۴۳۴ نفر) است که از خارج از استان تهران به منطقه مهاجرت نموده‌اند. وارد شدن مهاجران زیاد مساوی است با برهم خوردن هر چه بیشتر بافت اجتماعی - فرهنگی منطقه که این امر تبعات بسیاری را به دنبال دارد. در واقع این مهاجران که اکثراً نیز از خارج از تهران به منطقه یک مهاجرت می‌کنند، با ساکنین سنتی منطقه دارای تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی برجسته‌ای هستند که مسائل برنامه‌ریزی در آن را با حساسیت‌های جدی روبه‌رو می‌سازد. این مهاجرت‌های انبوه مساوی است با برهم خوردن ساختار جمعیتی و اجتماعی منطقه که ناهمگونی سازمان فضایی از مهم‌ترین تبعات آن است.



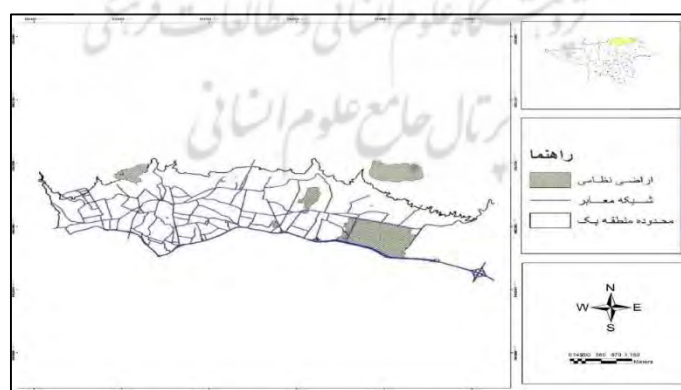
شکل (۵): نمودار نسبت مهاجران وارد شده به منطقه یک شهر تهران از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷.

۵- سوداگری در خرید و فروش زمین، تراکم و مسکن: سوداگری در خرید و فروش زمین، تراکم و مسکن به دلایل تقاضای سرمایه‌ای مخرب یا به تعبیری سوداگرانه، ناهمگون بودن، غیرقابل جانشین و غیرقابل تجارت بودن زمین و مسکن به همراه عدم وجود جریان کامل اطلاعات در این بازار، تأثیرات برونی و متقابل این بازار با بازارهای موازی، محدود بودن منابع زمین، وام مسکن در بانک‌های خصوصی و دولتی، افزایش قیمت مصالح بروز می‌کند و دارای پیامدها و معضلات اقتصادی و اجتماعی در خانواده و در سطح ملی و فشار بر قشر پایین و ضعیف جامعه می‌شود. در مناطق شمالی تهران که کشش قیمتی مسکن بالاست سوداگری رواج بیشتری دارد. منطقه یک شهر تهران به عنوان شمالی‌ترین

منطقه شهر در سال‌های اخیر سوداگری مهار نشدنی در رابطه با زمین و مسکن را تجربه کرده است و هم‌اکنون نیز به دلیل ارزش کاذبی که بر زمین و مسکن آن غالب است خرید و فروش در آن به طرز فجیع دست‌مایه اقدامات ویرانگرانه و سوداگرانه و همچنین تغییرات کالبدی گسترده‌ای در منطقه شده است که تبعات آن آشکارا و پنهان‌گیرانگیز منطقه بوده و خواهد بود. از جمله تبعات آشکار آن می‌توان به تخریب فضاهای سبز و قطع درختان و ...، تبدیل آن به ساختمان‌های مسکونی و تجاری اشاره نمود و تبعات پنهان آن به صورت تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی به منصفه بروز رسیده است که مجموعه این عوامل سازمان فضایی را تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم قرار می‌دهد.

۶- وجود کاربری وسیع نظامی: وجود کاربری‌های مزاحم و غیرشهری باعث ناهمگونی با بافت‌های کناری، عدم اجرای برنامه‌ها و تعریف کاربری‌ها با توجه به طرح‌های مصوب، به هم زدن نظم شهری، ناهمخوانی با کاربری‌های موجود در محدوده است. یکی از کاربری‌های مزاحم و غیرشهری که با کاربری‌های شهری ناهمگونی دارد اراضی نظامی پراکنده در سطح شهر تهران است که مشکلات متعددی را برای مدیریت یکپارچه شهری ایجاد می‌کند و علیرغم وجود قانون برای انتقال این اراضی، به دلیل قدرت زیاد نهادهای نظامی روند پیشرفت بسیار کند است. یکی دیگر از ویژگی‌های منطقه یک از جنبه چگونگی مصرف زمین، اختصاص یافتن بخش وسیعی از اراضی منطقه به کاربری نظامی است. دو پهنه عمده و بزرگ که یکی در شرق منطقه (پادگان اقدسیه) و دیگری در شمال کاخ سعدآباد واقع شده‌اند، مهم‌ترین مراکز کاربری نظامی محسوب می‌شوند. کاربری نظامی ماهیتی متفاوت از سایر فضاهای کار و فعالیت دارد و مراجعه به آنها مربوط به پرسنل، سربازان و کادر رسمی نظامی شاغل در آن می‌باشد. از طرفی طبق طرح جامع تهران پادگان‌های نظامی درون شهری و سایر کاربری‌های نظامی (به جز ادارات ستادی نیروهای مسلح) جزو کاربری‌های مزاحم شهری محسوب شده و انتقال آنها به خارج از شهر توصیه شده است. نقشه شماره ۲ توزیع فضایی اراضی نظامی منطقه یک شهر تهران را نشان می‌دهد. همانطور که در نقشه شماره ۲ مشخص است سطح بسیاری از منطقه به پادگان‌ها و کاربری‌های نظامی اختصاص دارد. مساحت کاربری‌های نظامی در منطقه یک ۶۷۰۴۸۴۷ متر مربع است.



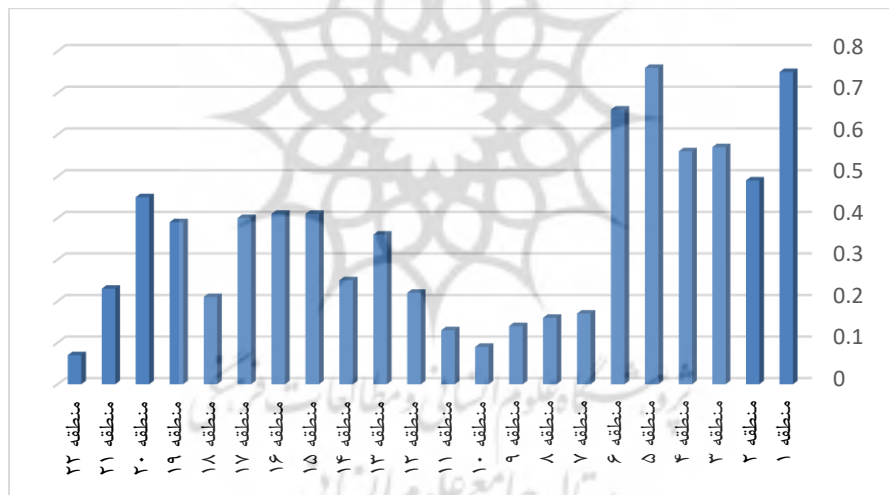
شکل (۶): توزیع فضایی کاربری نظامی منطقه یک شهر تهران

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷.

۷- ساخت و سازهای لجام گسیخته (بلند مرتبه‌سازی): منطقه یک شهر تهران امروز شاهد ساخت و سازهای بسیار گسترده به صورت برج‌ها و آپارتمان‌های چند ده طبقه است. به علت ارزش کاذبی که بر قیمت زمین در این منطقه

حاکم است بلند مرتبه‌سازی جای خانه‌های ویلایی را گرفته است. این ساخت و سازها به قیمت نابودی خانه‌های ویلایی و باغات و فضاهای سبز و تغییر کاربری آنها انجام می‌گیرد. ساخت و سازهای مکرر و ازدیاد رو به رشد تراکم جمعیت، تغییر در ساختار کالبدی - فضایی منطقه را باعث شده است. می‌توان از ویژگی‌های بسیار پر اهمیت بصری در منطقه یک، به ساختمان‌های بلندمرتبه اشاره نمود که در زمین‌های وسیع و عمدتاً باغات احداث می‌شوند. با هجوم سرمایه به این نوع ساخت و ساز، منطقه را دچار معضلات گوناگون نموده که یکی از مهم‌ترین آنها ناهمگونی سازمان فضایی است.

بررسی توزیع فضایی پروانه‌های صادر شده بالای ۱۰ طبقه بین سال‌های ۱۳۷۹ لغایت ۱۳۸۸ در شهر تهران نشان می‌دهد که منطقه یک واجد بالاترین میزان پروانه‌های صادر شده طی دهه مذکور بوده است (اطلس کلانشهر تهران، ۱۳۸۸: ۱۸۹). شکل شماره ۸ نسبت پروانه‌های بالای ۵ طبقه نسبت به کل پروانه‌های صادر شده در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را نشان می‌دهد. همانطور که در نمودار مذکور مشخص است منطقه یک و پنج دارای بیشترین پروانه صادره به منظور ساخت بناهای بالای ۵ طبقه در تهران هستند. این بلند مرتبه‌سازی انبوه باعث شکل‌گیری مورفولوژی نامتعادلی در سطح منطقه یک شده و سازمان فضایی آن را دچار تغییر کرده است. شکل شماره ۹ نمونه‌هایی از بلند مرتبه‌سازی در منطقه یک را به نمایش گذاشته است.



شکل (۷): نمودار نسبت پروانه‌های بالای ۵ طبقه نسبت به کل پروانه‌ها به تفکیک کل مناطق - ۱۳۹۵

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷.



شکل (۹): نمونه‌ای از بلند مرتبه‌سازی در منطقه یک شهر تهران

منبع: گوگل ارث، ۲۰۱۴.

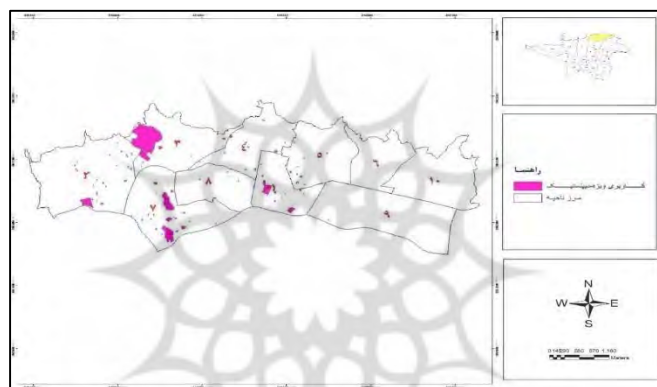
۸- کاربری‌های فرامنطقه‌ای و فراشهری: شهر تهران به دلیل عملکرد ویژه، به عنوان پایتخت کشور و همچنین تمرکز تاریخی نظام اداری، تجاری و خدماتی در آن، مجموعه‌ای از تسهیلات و خدمات متمرکز شده است. که علاوه بر شهر تهران در سطوح ملی و بین‌المللی نیز عمل می‌کنند و می‌توان گفت عملکردی فراشهری به همراه دارد. کاربری‌های فرامنطقه‌ای و بین‌المللی از وزن زیادی در منطقه یک، چه از لحاظ وسعت و چه از نظر عملکرد برخوردار هستند. اختصاصاً در بین مناطق شهر تهران منطقه یک به علت موقعیت خاص اجتماعی و اقتصادی که دارد، بیشترین کاربری فراشهری و فرامنطقه‌ای (بخصوص دیپلماتیک) را به خود اختصاص داده است.

الف) کاربری‌های فرامنطقه‌ای: این رده شامل کاربری‌هایی است که شعاع عملکرد و حوزه نفوذ آنها تا خارج از محدوده و مرزهای منطقه یک گسترده شده و کارکردهایی در سطح شهر تهران و یا منطقه شهری تهران ایفا می‌کنند. وجود کاربری‌های فرامنطقه‌ای به دلیل شرایط خاص یک محدوده برای ایجاد آن کاربری، یا کم هزینه شدن اجرای آن در آن محدوده و یا به خاطر استراتژی خاص از طرف ارگان خاص ایجاد آن کاربری می‌باشد و دارای پیامدهایی از جمله؛ ناهمگونی با دیگر کاربری‌های محدوده، به هم زدن نظم محدوده و مشکلات اقتصادی و اجتماعی متفاوتی می‌شود.

مطابق طرح‌های شهری، کاربری‌های فرامنطقه‌ای منطقه یک به صورت زیر دسته‌بندی می‌شوند:

- کاربری آموزش عالی: مانند دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه پیام نور
- کاربری مذهبی: امامزاده صالح واقع در میدان تجریش و ...
- کاربری فرهنگی: عناصر کاربری فرهنگی، اماکنی چون کاخ موزه‌های سعد آباد و نیاوران، فرهنگسرای نیاوران، موزه حیات وحش دارآباد، مؤسسه لغت نامه دهخدا و فرهنگستان هنر
- کاربری جهانگردی و پذیرایی: این کاربری ماهیتاً خصلتی فرامنطقه‌ای دارد و رستوران‌ها و هتل‌ها و مهمانسراهای واقع در منطقه، به ارائه خدمات به مسافران و گردشگران ورودی به منطقه می‌پردازند.
- کاربری درمانی: در سطح منطقه یک، تعدادی از بیمارستان‌های بزرگ وجود دارد که عملکردی فرامنطقه‌ای دارند. این بیمارستان‌ها به دلیل داشتن امکانات و همچنین تخصصی بودن در این رده جای گرفته‌اند. بیمارستان ویژه کودکان سرطانی (محک)، بیمارستان مسیح دانشوری، بیمارستان ۵۰۵ ارتش، بیمارستان شهدای تجریش و بیمارستان آیت‌الله طالقانی.
- کاربری اداری: بخش اعظم کاربری‌های اداری واقع در منطقه یک کارکردی فرامنطقه‌ای دارند که از جمله می‌توان به ادارات مربوط به شهرستان شمیرانات اشاره کرد که مقر آنها در منطقه یک می‌باشند.
- کاربری فضای سبز و پارک: از بین فضاهای سبز منطقه یک، سه پارک معروف و بزرگ جمشیدیه، نیاوران و قیطریه به دلیل وسعت، امکانات و تجهیزاتی که در اختیار دارند، مورد توجه کلیه ساکنین شهر تهران هستند و عملکردی فرامنطقه‌ای دارند.
- سایر کاربری‌ها: بخشی از کاربری‌های نظامی، صنعتی، خدمات اجتماعی و تفریحی، با توجه به عملکرد خاص خود و مراجعان و خدمت گیرندگان آنها، در رده فرامنطقه‌ای جای دارند.

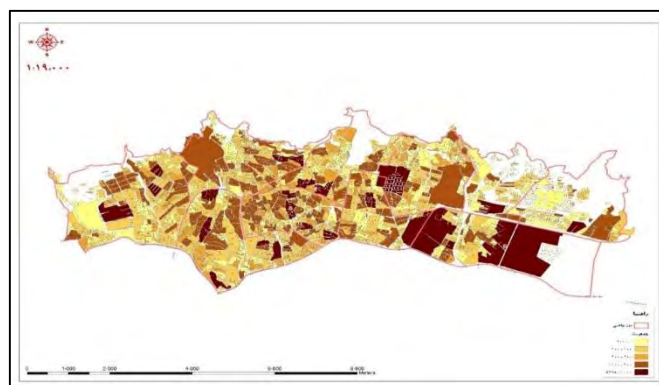
ب) **کاربری های فراشهری:** این رده کاربری، عناصری را شامل می شود که در سطح کشوری، بین المللی و مبادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان عمل می کنند و به دلیل اهمیت و تعداد این مراکز در سطح منطقه، به طور مشخص و در یک کاربری ویژه با نام کاربری دیپلماتیک و امور بین الملل طبقه بندی شده اند. همانطور که قبلاً نیز اشاره گردید کاربری دیپلماتیک بیشترین اراضی را در بین سایر کاربری های فراشهری به خود اختصاص داده است. شکل شماره ۱۰ پراکنندگی کاربری دیپلماتیک در سطح نواحی منطقه یک را نشان می دهد که بخش قابل توجهی در سطح منطقه را به خود اختصاص داده است و به جز قسمت شرق و شمال شرق، بقیه نواحی منطقه یک دارای میزان قابل توجهی کاربری دیپلماتیک هستند. در بین این کاربری ها می توان به سفارت خانه های کشورهای خارجی (آلمان، ایتالیا، روسیه)، سازمان های بین المللی، محل برگزاری اجلاس ها و همایش های بین المللی و ادارات مربوط به وزارت امور خارجه (دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، باشگاه وزارت امور خارجه، باشگاه دیپلماتیک وزارت امور خارجه و ...) اشاره نمود.



شکل (۱۰): نقشه توزیع فضایی کاربری های دیپلماتیک منطقه یک شهر تهران

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷.

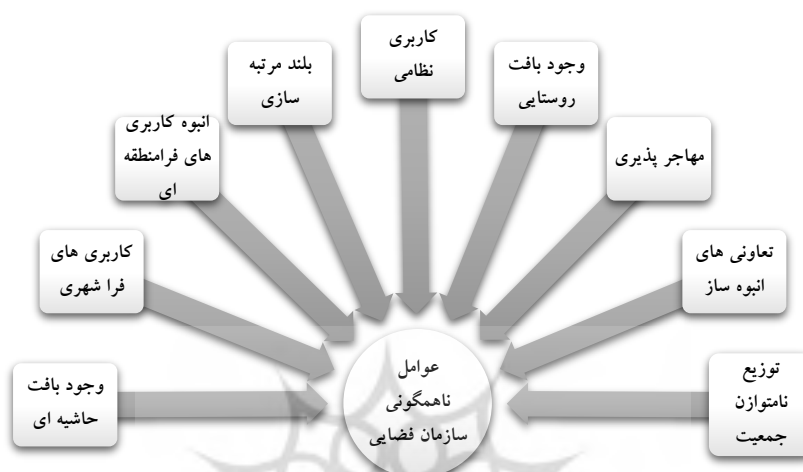
ج) **توزیع نامتوازن جمعیت در سطح منطقه:** شکل شماره ۱۱ نقشه توزیع فضایی جمعیت در سطح منطقه یک را نشان می دهد. چنانچه از نقشه مشخص است جمعیت به صورت نامتوازن در سطح منطقه توزیع شده است و در برخی نواحی منطقه شاهد تراکم بالای جمعیت و در برخی دیگر، تراکم پایین جمعیت را شاهد هستیم.



شکل (۱۱): نقشه توزیع فضایی جمعیت در منطقه یک شهر تهران-۱۳۹۵

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷.

به طور کلی منطقه یک شهر تهران دارای جمعیتی با ساختار کیفی بسیار ناهمگن و نامتجانس با تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فراوان است. شکل (۱۲) عوامل درونی ناهمگونی بافت اجتماعی و فرهنگی در منطقه یک شهر تهران را نشان می‌دهد. این متغیرها هر کدام به نحوی در ناهمگونی اجتماعی و فرهنگی منطقه دخیل هستند.



شکل (۱۲): عوامل موثر بر ناهمگونی اجتماعی و فرهنگی منطقه یک شهر تهران

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷.

نتیجه گیری

شهرها به عنوان سیستم‌های پویا مدام در حال تغییر و تحولات کمی و کیفی هستند که متعاقب این تغییر و تحولات، سازمان فضایی شهرها و مناطق شهری تحت تأثیر نیروها و عوامل مختلفی دچار دگرگونی می‌شوند. برخی از این نیروها به صورت مستقیم و برخی به صورت غیرمستقیم سازمان فضایی شهر را به سمت ناهمگونی سوق می‌دهند. ناهمگونی در سازمان فضایی شهری نیز می‌تواند تبعات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی متفاوتی از خود بر جای بگذارد. لذا وقوع تحولات در ساختار اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و سیاسی به همراه تنوع و گوناگونی در نظام اکولوژیک باعث ایجاد ساختار فضایی ناهمگون، قطبی شدن و تمرکز شدید گردیده است. این تحولات در ساختار شهرهای کشور به همراه تنوع و گوناگونی در نظام اکولوژیک باعث ایجاد ساختار فضایی ناهمگون، قطبی شدن و تمرکز شدید گردیده است و شناسایی این عوامل در سازمان فضایی شهرها می‌تواند از تبعات منفی آن بکاهد. در این میان کلانشهر تهران به صورت یک مجتمع عظیم جمعیتی و اقتصادی، تجاری و صنعتی، آموزشی، تفریحی و مسکونی با دگرگونی‌های سریع و شتاب بیش از اندازه در مسیر توسعه در آمده و مجموعه این تغییرات خود مستلزم مطالعات عمیق و گسترده علمی در زمینه‌های متنوع و مختلف می‌باشد تا بدین وسیله نابسامانی‌ها و آسیب‌های شهری آن به روشنی شناخته شده تا راهبردها، راهکارهای اصولی و قابل عمل برای اداره صحیح آن تدوین و اجرا گردد و منطقه یک این شهر نیز با توجه ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی منحصر به فردی که دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این منطقه با مسائل متعددی روبروست به طوری که جمعیتی بسیار ناهمگن و نامتجانس دارد و همچنین دارای تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و

اقتصادی فراوان است؛ از این رو ضرورت و اهمیت شناسایی عوامل و نیروهای ناهمگون کننده سازمان فضایی آن بر کسی پوشیده نیست. بنابراین با توجه به موضوع پژوهش که تحلیل عوامل ناهمگونی سازمان فضایی در منطقه یک کلانشهر تهران بود با عنایت بر مسئله پژوهش در این پژوهش به دنبال این بودیم که چه عواملی باعث ناهمگونی سازمان فضایی محدوده مورد مطالعه شده است. این پژوهش، پژوهشی توصیفی - تحلیلی بود. که جهت تدوین چارچوب نظری تحقیق و بازدید های میدانی از روش کتابخانه‌ای نیز بهره گرفته شد؛ و به منظور شناسایی و طبقه‌بندی عوامل ناهمگون منطقه یک تهران، از نرم‌افزارهای GIS و Google Earth بهره گرفته شد. با توجه به یافته‌های پژوهش؛ ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد که این منطقه با یک ناهمگونی در سازمان فضایی مواجه است. در واقع تفاوت در ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که در منطقه یک بیش از هر کدام از مناطق تهران است، بازخوردهای متفاوتی دارد که از مهم‌ترین بازخوردهای آن ناهمگونی در سازمان فضایی منطقه است. این ناهمگونی ناشی از عوامل مختلفی است که در پژوهش به چند مورد از آن از جمله وجود بافت روستایی، وجود بافت حاشیه‌ای، وجود مجتمع‌های انبوه تعاونی ساز، مهاجرپذیری، سوداگری در خرید و فروش زمین، تراکم و مسکن، وجود کاربری وسیع نظامی، ساخت و سازهای لجام گسیخته (بلند مرتبه‌سازی)، کاربری‌های فرامنطقه‌ای - شامل کاربری آموزش عالی، کاربری مذهبی، کاربری فرهنگی، کاربری جهانگردی و پذیرایی، کاربری درمانی، کاربری اداری، کاربری فضای سبز و پارک، کاربری‌های فراشهری - کاربری دیپلماتیک و امور بین‌الملل -، توزیع نامتوازن جمعیت در سطح منطقه. با توجه به شاخص‌های مورد بررسی یافته‌های پژوهش نشان داد، ناهمگونی در سازمان فضایی آن از جمله این مسائل است. مساله ناهمگونی سازمان فضایی در منطقه یک کلانشهر تهران نتیجه نیروها و عوامل متعددی است که ریشه در تحولات تاریخی آن دارد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که عواملی از جمله؛ مهاجرپذیری، وجود بافت روستایی، بافت حاشیه‌ای، ساخت و سازهای لجام گسیخته، سوداگری در خرید و فروش زمین و مسکن، وجود کاربری‌های غیر شهری، وجود مجتمع‌های تعاونی انبوه ساز، کاربری‌های فرامنطقه‌ای و فراشهری و ... باعث ناهمگونی در سازمان فضایی منطقه شده است. سطح بسیاری از منطقه به پادگان‌ها و کاربری‌های نظامی اختصاص دارد. و از آنجا که کاربری نظامی ماهیتی متفاوت از سایر فضاهای کار و فعالیت دارد و مراجعه به آنها مربوط به پرسنل، سربازان و کادر رسمی نظامی شاغل در آن می‌باشد. از طرفی طبق طرح جامع تهران پادگان‌های نظامی درون شهری و سایر کاربری‌های نظامی (به جز ادارات ستادی نیروهای مسلح) جزو کاربری‌های مزاحم شهری محسوب شده لذا انتقال آنها باید به خارج از شهر صورت گیرد. در زمینه سوداگری زمین و مسکن نیز به دلیل ارزش کاذبی که بر زمین و مسکن منطقه غالب است خرید و فروش در آن به طرز فحیح دست‌مایه اقدامات ویرانگرانه و سوداگرانه و همچنین تغییرات کالبدی گسترده‌ای در منطقه شده است که تبعات آن آشکارا و پنهان‌گیر منطقه بوده و خواهد بود. از جمله تبعات آشکار آن می‌توان به تخریب فضاهای سبز و قطع درختان و ...، تبدیل آن به ساختمان‌های مسکونی و تجاری اشاره نمود و تبعات پنهان آن به صورت تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی به منصفه بروز رسیده است که مجموعه این عوامل سازمان فضایی را تحت تأثیر مستقیم و غیر مستقیم قرار می‌دهد. همچنین این پژوهش می‌تواند با تحقیقات امیرآبادی و همکاران (۱۳۹۳) که در بعد کالبدی به این موضوع پرداخته‌اند؛ مطابقت داشته باشد که معتقدند شکاف عمیق موجود بین نواحی شهری در شاخص کالبدی می‌توان گفت عامل مساله‌ساز و دارای اولویت در ناهمگونی ساختار فضایی شهر مهاباد، عامل کالبدی و در رأس آنها تأسیسات و خدمات شهری است که ریشه این ضعف در نحوه تدوین و تحقق طرح‌های توسعه شهری می‌باشد. یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز ناهمگونی سازمان فضایی هسته‌های روستایی بود که نتایج پژوهش سلیمانی و همکاران (۱۳۹۲)

که مطابق با این عوامل است نشان می‌دهد که هسته‌های روستایی علاوه بر اثرگذاری بر هویت‌یابی بافت مهاجم شهری، به دلیل گسترش بی‌برنامه شهر و شکل‌گیری ارگانیک بافت شهری با اثرپذیری از تقسیمات و ساختار فضایی مورفولوژی‌های باغی و زراعی منطقه، نامنظم و گاه نفوذناپذیر شده است. همچنین رویارویی بافت‌های شهری و هسته‌های روستایی نیز موجب شکل‌گیری کانون‌های ناهمگون و عدم تعادل کالبدی - فضایی در منطقه شده است. همچنین از لحاظ جمعیتی این منطقه دارای جمعیتی با ساختار کیفی بسیار ناهمگن و نامتجانس با تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فراوان است. در راستای نتایج بدست آمده پیشنهادها زیر ارائه می‌گردد: هدایت جمعیت و افزایش آن در پهنه‌های خالی و کم‌تراکم منطقه؛ توسعه همه‌جانبه و موزون در سطح منطقه با بهبود زیربناها و زیرساخت‌های مورد نیاز؛ کاهش فعالیت‌های ساختمانی، پروانه‌های ساخت و ساز، رانت زمین و بلندمرتبه‌سازی بی‌ضابطه و کاهش پروانه‌های ساخت و ساز خصوصاً در ارتفاعات و کوچه‌های باریک منطقه؛ جلوگیری از تغییر کاربری فرهنگی، سبز و اجتماعی به تجاری با هدف سوددهی در منطقه در راستای کاهش کژی‌بافتی ساختار کالبدی شهر (عدم تغییر کاربری‌های سبز، باغی و تاریخی منطقه یک به کاربری‌های سودآور).



منابع

- آسایش، حسین، (۱۳۸۵)، «اصول و روش‌های برنامه ریزی ناحیه‌ای»، تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- اطلس شهر تهران (۱۳۸۹)، «مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران».
- پریزادی، طاهر؛ صالحی، عبدالله، (۱۳۹۶)، «تحلیل فضایی عوامل مؤثر بر ناپایداری الگوی توسعه شهری، مطالعه موردی: شهر بانه»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه گلستان آمایش جغرافیایی فضا، سال ۷، شماره پیاپی ۲۶، ۱۰۱-۱۰۴.
- تقی‌لو، علی اکبر، نباتی، سیده مریم؛ (۱۳۹۴)، «تحلیل و تبیین عدم تعادل‌های سازمان فضایی در شهرستان قروه»، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی، بصورت الکترونیکی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- جباری، حبیب، (۱۳۹۲)، «فضا و برنامه‌ریزی (تأملی بر مفهوم برنامه‌ریزی فضایی)»، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور، ویرایش نخست.
- حکمتی، شیوا؛ کبیر، اختر، (۱۳۷۵)، «فضای اندیشه‌ای - ذهنی فضای کالبدی شهری»، مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، جلد سوم، کرمان.
- خزایی، کاظم، (۱۳۹۳)، «ارزیابی سرانه فضای سبز با تاکید بر ساختار کیفی جمعیت شهری مطالعه موردی: منطقه یک شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما؛ دکتر محمد تقی رهنمایی، گروه علوم جغرافیایی دانشگاه پیام نور تهران.
- داداش‌پور، هاشم؛ علی‌دادی، مهدی، (۱۳۹۷)، «تحلیل ریخت‌شناسانه ساختار فضایی توزیع جمعیت در منطقه کلان شهری تهران»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۵۰، شماره ۱، بهار.
- رضوانی، علی‌اصغر، (۱۳۸۱)، «روابط متقابل شهر و روستا»، نشر ماکان، چاپ اول.
- سایت شهرداری منطقه یک شهر تهران، (۱۳۹۵).
- سلیمانی، محمد، افراخته، حسن، سعیدنیا، احمد، چگینی، رباب، (۱۳۹۲)، «تحلیل پیامدهای کالبدی فضایی ادغام هسته‌های روستایی در منطقه یک شهر تهران»، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۱۵.
- علیزاده، آزاده، (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل سازمان فضایی شهر یزد از منظر عدالت فضایی»، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، استاد راهنما: مجتبی رفیعیان.
- قنبری، ابوالفضل؛ سرداری، ایوب؛ زندکریمی، آرش؛ و شیدا زندکریمی (۱۳۹۴)، «راهبردهای آمایش مناطق مرزی، سیستان و بلوچستان»؛ آمایش سرزمین، دوره هفتم، شماره اول، ۱۴۵-۱۶۴.
- کریمی، آرام، پورطاهری، مهدی، احمدی، حسن، (۱۳۹۶)، «تحلیل سازمان فضایی و سطح بندی نظام شهری استان کردستان و ارائه الگوی توسعه نظام شهری»، مطالعات محیطی هفت حصار، دوره پنجم، شماره نوزدهم، ۳۱-۵۲.
- کلانتری، خلیل، (۱۳۹۴)، «برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین»، انتشارات فرهنگ صبا.
- محمدی ده‌چشمه، مصطفی، (۱۳۹۱)، «ناپایداری اجتماعی در بوم شهر ایرانی و آثار جمعیتی آن»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال چهارم، شماره اول، ص ۲۰-۵.
- ملکی، سعید؛ امان‌پور، سعید؛ زادولی خواجه، شاهرخ، (۱۳۹۶)، «سازمان‌یابی فضایی و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در کلان‌شهر تبریز»، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، دوره ۵، شماره ۱، ۸۷-۱۰۴.
- مهندسین مشاور بوم سازگان، (۱۳۸۷)، «طرح جامع شهر تهران (سازمان فضایی)»، ویرایش نهایی، وزارت مسکن و شهرسازی.
- میرآبادی، مصطفی؛ رجبی، آرزیتا؛ مهدوی حاجیلویی، مسعود (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر ناهمگونی فضایی در نواحی شهری با تأکید بر نقش بافت‌ها و سکونتگاه‌های نابسامان (نمونه موردی: شهر مهاباد)»، فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، سال شانزدهم، شماره ۱۷-۴۳.

- نظریان، اصغر؛ کنارودی، سهیل، (۱۳۸۸)، «تحولات اجتماعی ادغام مناطق روستایی در سازمان فضایی ° کالبدی شهر تهران (مطالعه موردی: منطقه کن)»، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، سال دوم، شماره ۳، ۴۷-۶۳.
- Castells, M. (1996). The rise of the network society (Vol. 1). *Malden, MA: Blackwell.*
 - Davoudi, S., and Strange I., (2008), *Concepts of space and place in spatial planning*, Routledge.
 - Dieleman, F. M., Faludi, A., (1998), Polynucleotide Metropolitan Regions in Northwest Europe, *European Planning Studies*, Vol. 6, No. 4, PP. 365° 377.
 - Garcia, L., Miquel, À., (2012), Urban spatial structure, suburbanization and transportation in Barcelona, *Journal of Urban Economics*, Vol. 72, No. 2, pp.176-190.
 - Hoblyk, A. (2013). *Transformation of urban space: tasks and methods of study*. *Przestrze i Forma.*
 - Limtanakool, N., Dijst, M., & Schwanen, T. (2007). A theoretical framework and methodology for characterising national urban systems on the basis of flows of people: empirical evidence for France and Germany. *Urban Studies*, 44(11), 2123-2145.
 - Martinez, J., (2009), The use of GIS and indicators to monitor Intra-Urban inequalities: a case study in Rosario", Argentina, *Habitat International*, 33 (1): 387- 396.
 - Reif, B. (1973). *Models in urban and regional planning*. Intertext Educational Pub.
 - Sohel Rana, M. (2009). Status of water use sanitation and hygienic condition of urban slums: A study on Rupsha Ferighat slum, *Khulna. Desalination*, 246(1-3), 322-328.
 - Stillwell, J., Norman, P., Claudia, T., Paula, S., (2010), Spatial and social disparities, *Understanding population trends and processes*, 2: 1-15.
 - Taylor, P., Hoyler, M. & Verbruggen, R., (2010), External Urban Relational Process: Introducing Central Flow Theory to Complement Central Place Theory, *Urban Studies*, Vol. 47, No. 13, PP. 2803-2818.
 - www.GoogleEarth.com
 - www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=946&doSearch=1.time:13:55,data:1393/5/1
 - Xi, J., & Cho, N. (2007). Spatial and temporal dynamics of urban sprawl along two urban° rural transects: A case study of Guangzhou, China. *Landscape and Urban Planning*, 79(1), 96-109.

